

مدلسازی چند ضلعی تقلب واهرم کمیته حسابرسی

ترجمه و تلخیص:



امیر پرویز فرزبان



فرهاد زاهدی



مهدي بیرانوند

انجمن خبره آزمون تقلب (ACFE) اعلام کرد که صرفاً وجود حسابرسی خارجی راه حل مناسبی برای شناسایی یا محدود کردن تقلب نیست و حسابرسان صورت‌های مالی بازرسان تقلب نیستند. آنها به‌گونه‌ای آموزش دیده‌اند که بتوانند تشخیص دهند که آیا صورت‌های مالی ارائه شده توسط شرکت در تمام جهات مالی، منصفانه و مطابق با اصول پذیرفته شده حسابداری تهیه شده است یا خیر؟ و تشخیص تقلب، مشابه با حسابرسی صورت‌های مالی نیست و برای شناسایی شواهد تقلب نیاز به داشتن مهارت‌های خاص و تکنیک‌های قانونی توسعه یافته‌ای است که حسابرسان از این دانش بی‌بهره هستند. اگر چه تدوین کنندگان استانداردها، به تدریج به این نتیجه رسیدند که حضور یک بازرس قانونی پس از شناسایی یکی از فاکتورهای وجود احتمالی تقلب ضروری است اما در این شرایط توأم کردن وجود متخصص و بازرس قانونی در کنار قراردادهای حسابرسی برای کاهش ریسک وجود تقلب شناسایی نشده می‌تواند مثر ثمر باشد. بدون آموزش مناسب و کافی در بخش و حوزه قانونی، انتظار اینکه حسابرسان صورت‌های مالی قادر به شناسایی و کشف تقلب باشند بسیار بی‌معنی است و به‌منظور حراست و مراقبت بیشتر از عامه مردم جامعه در مقابل تقلب و برای حفظ اعتبار حرفه حسابرسی، لازم است تا پژوهشگران حسابداری به دنبال راه‌ها و روش‌هایی جدید به‌منظور بهبود توانایی حسابرسان در کشف و محدود کردن تقلب‌ها باشند. در سال ۲۰۰۰، بیانیه شماره ۹۹، استانداردهای حسابرسی (SAS) در نظر گرفتن تقلب در حسابرسی صورت‌های مالی، به جای بیانیه شماره

۸۲ استانداردهای حسابرسی (SAS) صادر شد و برای حسابرسان، رهنمودهایی را مهیا کرد تا بدانند که راهنمایی بهتری برای اینکه چگونه توانایی‌هایشان را برای شناسایی تقلب در طی جریان حسابرسی صورت‌های مالی، بالا ببرند. هدف این استاندارد کمک به حسابرسان در جهت پیش گرفتن شیوه‌ای محافظه‌کارانه برای جلوگیری و شناسایی تقلب به‌وسیله افزایش دانش مشتریان خود بود که باید در نتیجه روش‌های کارآمدتری را در ارزیابی خطر به‌دنبال می‌داشت، حسابرسان را متوجه این موضوع کرد که در طول جریان حسابرسی، می‌بایست نسبت به پتانسیل موجود برای احتمالات تقلب، ذهنی پرسشگر داشته باشند و از آنها انتظار می‌رود که تا از شک‌های حرفه‌ای در جمع‌آوری و ارزیابی شواهد حسابرسی و

کنار گذاشتن باورهای قبلی خود نسبت به امین و صادق بودن مدیریت در مراحل کار خود استفاده کنند و به‌طور خاص، از حسابرسان خواسته شد تا خود را درگیر طوفان‌های فکری و بحث کردن درباره احتمالات وجود اظهارت غلط مالی و تقلب کنند. یکی از الزامات جدید در استاندارد ۹۹ که به خودی خود مفهوم جدیدی در ادبیات حسابرسی به‌شمار می‌رود مفهوم «توفان مغزی» است که به موجب آن تیم حسابرسی باید برای بررسی احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی در مراحل قبل و طی فرایند گردآوری اطلاعات با هم نشست و مباحثه کند. این استاندارد تأکید کرده است که توفان مغزی روشی لازم‌الاجرا است و باید با دقتی مشابه سایر روش‌های حسابرسی به‌کار گرفته شود. براساس بیانیه شماره ۸۲، استانداردهای

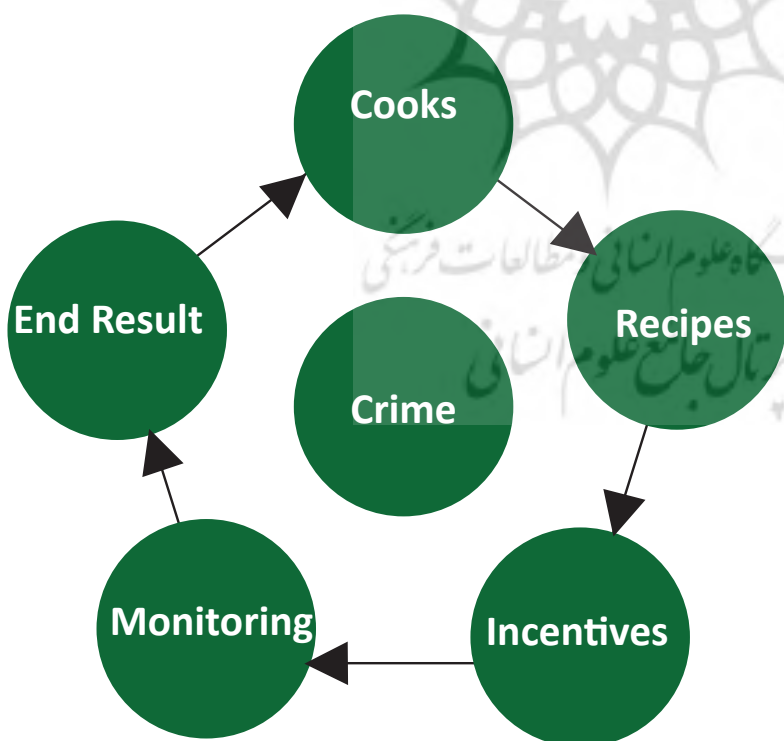


کارشناسان آن را در حکم مطالعه علمی رویکردها می‌دانند مطرح شد (آجزن ۱۹۹۱، ۲۰۰۱). این نظریه بر نقش قصد و نیت یا همان برنامه‌ریزی در تشریح رفتار تأکید می‌کند و مدعی است که قصد و نیت برای انجام رفتارهای مختلف را می‌توان از راه‌های رویکرد نسبت به رفتار، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتار ادراکی (درک شده) پیش‌بینی کرد. پنج عامل که دارای تأثیر متقابل به‌عنوان عوامل توصیف کننده تقلب‌های صورت‌های مالی مشهور و پراوازه هستند عبارتند از:

حسابرسی، حسابرسان باید برآورد ریسک تقلب خود را مستندسازی کنند و همچنین تغییر روش حسابرسی خود را نیز هنگامی که نشانه‌هایی از وجود احتمال تقلب در طی دوره حسابرسی مشاهده شد مستندسازی کنند. با این وجود، بیانیه شماره ۸۲، استانداردهای حسابرسی، مسئولیت حسابرسان را برای کشف تقلب فراتر از مفاهیم کلیدی مادی و تضمین معقول، افزایش نداد. مفهوم نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده نخستین بار در رشته روان شناسی اجتماعی که برخی

Cooks+Recipes+Incentives+Monitoring=EndResults

نتایج نهایی = نبود نظارت + انگیزه + روش‌های تقلب + حساب آرایه



این موارد مفهوم جنایت^۲ را که خود از عوامل فوق مشتق شده است تشکیل می‌دهند (ژوو و همکاران ۲۰۲۲).

روش‌های تقلب: ۲

به ترتیب از پرتکرارترین نوع آن یعنی تقلب در درآمدها گرفته تا تقلب‌های از نوع کم تکرار مثل تقلب در حساب‌های پرداختی، انتظار از حسابرس آن است که روش‌های پرتکرار تقلب در صورت‌های مالی را کشف کند. مدیریت سود، معمولترین روش به کارگیری تقلب در صورت‌های مالی است. تقلب در صورت‌های مالی می‌تواند از دستکاری در رویدادها یا معاملات تا تأخیر عمدی در شناخت و ثبت رویدادها و معاملاتی که رخ داده است تغییر کند. (چن و همکاران ۲۰۲۰)

حساب آرایبی ۴

در بیشتر حالات یعنی بیش از ۸۰ درصد تقلب در صورت‌های مالی با مشارکت مدیر عامل یا مدیر مالی انجام می‌گیرد و با تصویب و آگاهی تیم مدیریت رده بالا شامل مدیریت اجرایی، مدیر مالی، رؤسا، خزانه‌داران و کنترلرها رخ می‌دهد. (چن و همکاران ۲۰۲۰)

فشار و انگیزه‌ها ۵

الگوی تقلب در دهه ۱۹۵۰ از «مثلث تقلب»، که شامل سه بعد فشار، فرصت و توجیه است، شروع شد و مشکل مالی، سیستم ضعیف کنترل داخلی و وضعیت نامطلوب کاری به‌عنوان انگیزه‌های تقلب شناسایی شدند. در دهه ۱۹۸۰، ویژگی‌های شخصی و محیط شغلی شناسایی و وجه «کمال شخص» معرفی شد. در دهه ۱۹۹۰، عوامل رفتاری، به‌ویژه شهرت، هنجارهای ذهنی و کنترل بر تمایل، به‌عنوان عوامل

انگیزه تقلب مدیران شناسایی شدند. در دهه ۲۰۰۰، وجه «قابلیت شخص» شامل هوش، موقعیت و نقش فرد، شناسایی و به ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز توجه شد. از سال ۲۰۱۰ تاکنون، به فرالگوها توجه شده است (نمازی محمد و حسینی نیا سمیه، ۱۳۹۸)

نبود نظارت‌ها ۶

نبود نظارت راه را برای ارتکاب تقلب هموار می‌کند راهبری شرکتی مسئول ساختار کنترل داخلی مؤثر و کمیته حسابرسی (با نظارت بر کار حسابرس داخلی، فرایند گزارشگری مالی و اثربخش بودن ساختار کنترل داخلی) نقش مهمی در جلوگیری و کشف تقلب در صورت‌های

مالی ایفا می‌کنند. (چن و همکاران ۲۰۲۰)

در این پژوهش با استفاده از متغیرهای مدل پنج ضلعی تقلب (پنتاگون) که شامل انگیزه یا فشار، فرصت، توجیه، استعداد، خود شیفتگی است (شکوری و همکاران، ۱۴۰۰) با اضافه کردن متغیر تبانی مدل شش ضلعی تقلب (هگزاگون) ارائه شد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق تعریف تقلب:

تقلب به هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث، جهت برخورداری از مزیتی ناروا یا غیرقانونی اطلاق می‌شود که



مبلغ یا یک مورد افشا) اما تحریف در صورت‌های مالی می‌تواند از تقلب یا اشتباه ناشی شود. حسابرس در بررسی تقلب دو نوع تحریف عمدی را مدنظر دارد: الف- تحریف ناشی از گزارشگری مالی متقلبانه

ب- تحریف ناشی از سوءاستفاده از دارایی‌ها.

بیانیه شماره ۹۹ استانداردهای حسابرسی، حسابرسان را به غلبه بر گرایش‌ها و امیال طبیعی خود از قبیل اتکای بیش از حد بر اظهارات صاحبکار فراخوانده است و از آنها خواسته است تا با ذهنی پرسشگر و به‌حالت تردید، رویکرد حسابرسی را تعیین کنند. طبق این بیانیه ضروری است که حسابرس روابط گذشته را نادیده بگیرد و هرگز نپندارد که تمام صاحبکاران صادق و درستکارند. همچنین استاندارد جدید، پیشنهادهایی را در مورد به‌کار بستن افکاری نقادانه و حاوی تردید حرفه‌ای در مراحل مختلف حسابرسی به‌ویژه در طول برنامه‌ریزی حسابرسی و ارزیابی شواهد به حسابرس ارائه داده است. کسب اطلاعات دست اول در مورد تقلب، ممکن است در هر قسمت یا در هر سطحی از سازمان روی دهد. ممکن است برخی از افراد، ارتکاب تقلب یا پنهان کردن آن را توسط فرد یا افراد معینی مشاهده کنند یا به نحوی از آن آگاهی یابند. اغلب، افرادی که از تقلب آگاهی داشته‌اند، پس از روشن شدن واقعیت، به دیگران گفته‌اند که از وقوع تقلب مطلع بوده‌اند اما کسی چیزی از آنها در این‌باره نپرسیده است. بیانیه جدید، این احتمال را افزایش داده است تا حسابرسان همان کسانی باشند که در این مورد سؤال می‌کنند.

علیزادگان و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی تحلیل توانایی حسابرسان در کشف تقلب



جدا از تقلب است؛ بدین شرح که اشتباه عبارتست از هرگونه تحریف سهوی در صورت‌های مالی (شامل حذف یک

به ارائه نادرست صورت‌های مالی منجر می‌شود. (استاندارد حسابرسی ۲۴۰ ایران). باید توجه داشت که اشتباه، مفهومی

اهمیت بوده است.

خواجهوی و کرمانی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به بررسی ویژگی‌های شخصیتی مؤثر بر تسهیم دانش در مؤسسات حسابرسی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، ویژگی‌های برون‌گرایی، سازگاری و وظیفه‌شناسی بر فرایند تسهیم دانش کارکنان در مؤسسات حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارند اما بین ویژگی گشودگی در برابر تجربه و فرایند تسهیم دانش کارکنان رابطه معناداری مشاهده نشده است.

پاشائی فشتالی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی رابطه تیپ شخصیتی، تجربه و جنسیت با توانایی کشف تقلب حسابرس (نقش میانجی شک و تردید حرفه‌ای) پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان می‌دهد تیپ شخصیتی شهودی - منطقی و حسی - منطقی در مقایسه با سایر تیپ‌های شخصیتی و تجربه می‌توانند به‌طور مستقیم و همچنین غیرمستقیم (از طریق متغیر میانجی تردید حرفه‌ای) اثر مثبت و معناداری بر توانایی کشف تقلب داشته باشند. اما جنسیت رابطه معناداری با توانایی کشف تقلب ندارد.

کریمی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به ارزیابی تأثیر سوء‌گیری‌های روان‌شناختی فردی و ابعاد شخصیتی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی شرکت‌ها پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که سوء‌گیری‌ها اثر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی خواهد گذاشت اما ابعاد شخصیتی اثر قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی نخواهد گذاشت.

عدیلی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای تأثیر فرهنگ اخلاقی مؤسسه حسابرسی و تیپ‌های شخصیتی حسابرسان بر عینیت حسابرس را مورد بررسی قرار



همچنین نتایج نشان داد بین ریسک کشف تقلب و شک و تردید حرفه‌ای، رابطه وجود دارد. همچنین مشخص شد شک سازمانی رابطه ریسک کشف تقلب و شک و تردید حرفه‌ای را تعدیل می‌کند. **خلیلی ثمرین (۱۴۰۰)** به بررسی رتبه‌بندی عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مؤثر بر گزارشگری مالی متقلبان به استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی پرداختند با توجه به نتایج پژوهش، از عوامل برون‌سازمانی به ترتیب عوامل مرتبط با ویژگی‌های حسابرسی مستقل، عوامل فرهنگی، عوامل قانونی و نظارتی خارج از سازمان و از عوامل درون‌سازمانی به ترتیب ویژگی‌های حرفه‌ای و ساختار مدیریت، ویژگی‌های رفتاری مدیریتی، ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی، ویژگی‌های مرتبط با خطاهای سیستمی و انسانی دارای بیشترین

در گزارشگری مالی با استفاده از تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده و تأثیر تجربه حسابرس و تیپ شخصیتی باتوجه به نقش میانجی تردید حرفه‌ای در کشور ایران با مراجعه به نظر اعضای حرفه‌ای حسابداری، شامل حسابرسان شاغل در مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تجربه حسابرس و تیپ شخصیتی به‌طور غیرمستقیم با توجه به نقش میانجی تردید حرفه‌ای بر کشف تقلب در صورت‌های مالی رابطه مثبت و معناداری دارند.

شمس (۱۴۰۱) به بررسی نقش تعدیلگری شک سازمانی در رابطه ریسک کشف تقلب و شک و تردید حرفه‌ای پرداخت که نتایج نشان داد بین ریسک کشف تقلب و شک و تردید حرفه‌ای، رابطه وجود دارد.

ساختاری مبتنی بر وارینانس استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که متغیر شک و تردید به‌عنوان یک متغیر تعدیلگر و تأثیرگذار بر رابطه بین تجربه، اخلاق و صلاحیت حرفه‌ای باکیفیت حسابرسی است و منجر به افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود.

آگوستینا و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی تردید حرفه‌ای حسابرسان و کشف تقلب پرداختند. هدف این مطالعه، بررسی تأثیر شایستگی، استقلال، تجربه و فشار زمانی حسابرسی بر کشف تقلب با استفاده از اثر میانجی شک حرفه‌ای در زمینه حسابرسان داخلی برای بخش دولتی بود. نتایج پژوهش نشان داد که شایستگی، استقلال و فشار زمانی حسابرسی تأثیری بر توانایی کشف تقلب ندارد. در این میان، تجربه و شک حرفه‌ای حسابرسان تأثیر مثبتی بر کشف تقلب داشت. کاربرد شکاکیت حرفه‌ای به‌عنوان یک متغیر میانجی در تأثیر شایستگی، استقلال، تجربه و فشار زمانی حسابرسی بر کشف تقلب ثابت شد. شایستگی، استقلال و تجربه حسابرسان تأثیر مثبتی بر شک حرفه‌ای و فشار زمانی حسابرسی تأثیر منفی بر شک حرفه‌ای داشت.

اود و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی توانایی حسابرسان برای کشف تقلب: استقلال، تجربه، تردید حرفه‌ای و حجم کاری پرداختند. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از روش پرسش‌نامه و تجزیه و تحلیل داده‌ها را از رگرسیون خطی چندگانه انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که استقلال، تجربه حسابرسی و شک حرفه‌ای تأثیر مثبت و معناداری بر توانایی حسابرسان در کشف تقلب دارد. در این میان، حجم کار تأثیر منفی و معناداری بر توانایی حسابرسان در کشف تقلب دارد. سولیس‌تینتی و همکاران (۲۰۲۰) در

دادند. داده‌های پژوهش با استفاده از ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. نتایج، حاکی از آن است که فرهنگ اخلاقی مؤسسه حسابرسی بر عینیت حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین تیپ شخصیتی باوجدان بودن (وظیفه‌شناس) نیز بر عینیت حسابرسان تأثیر مثبت و معناداری دارد. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد که فرهنگ اخلاقی مؤسسه حسابرسی بر رابطه بین تیپ‌های شخصیتی حسابرسان و عینیت حسابرسان تأثیر دارد.

قاسمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر محافظه‌کاری اجتماعی بر تردید حرفه‌ای حسابرسان مستقل، آزمونی از نظریه روان‌شناختی شخصیتی پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که محافظه‌کاری اجتماعی موجب افزایش تردید حرفه‌ای حسابرسان و مؤلفه‌های آن شامل، ذهن پرسشگر، وقفه در قضاوت، جستجوی دانش، درک میان‌فردی، اعتماد به نفس و خودرأی بودن می‌شود.

جبارزاده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی الگویی برای پیش‌بینی قضاوت حرفه‌ای حسابرسان پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بُعد حرفه‌ای و شغلی، بیشترین تأثیر را بر پیش‌بینی قضاوت حرفه‌ای حسابرسان دارد. بُعد فردی در جایگاه دوم قرار می‌گیرد و بُعد محیطی نسبت به دو بُعد دیگر، کمترین تأثیر را بر پیش‌بینی قضاوت حرفه‌ای حسابرسان دارد.

دریایی و عزیز (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان رابطه اخلاق، تجربه و صلاحیت حرفه‌ای حسابرسان باکیفیت حسابرسی با توجه به نقش تعدیل‌کننده شک و تردید حرفه‌ای پرداختند. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از روش پرسش‌نامه و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آمار توصیفی و مدل انعکاسی معادلات

پژوهشی به بررسی تأثیر تردید حرفه‌ای، تجربه و آموزش بر توانایی حسابرسان دولتی در کشف تقلب پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که تردید حرفه‌ای و تجربه به‌طور قابل‌توجهی بر توانایی کشف تقلب تأثیر می‌گذارد اما آموزش بر توانایی کشف تقلب تأثیر نمی‌گذارد. **آدی پوترا و دویراندرا (۲۰۱۹)** در پژوهشی تأثیر تجربه حسابرسان، نوع شخصیت و تلاش تقلب حسابرسان بر توانایی حسابرسان در کشف تقلب با قضاوت حرفه‌ای به‌عنوان متغیر میانجی پرداختند. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از روش پرسش‌نامه و تجزیه و تحلیل حداقل مربعات انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که تجربه حسابرسان، نوع شخصیت، ممیزهای حسابرسان و قضاوت حرفه‌ای تأثیر مثبت و معناداری بر توانایی حسابرسان برای کشف تقلب دارد. قضاوت نقش واسطه‌ی میانجی به‌وسیله متغیر تجربه و نوع شخصیت و میزان حسابرسی تقلب بر توانایی حسابرسان برای کشف تقلب دارد.

آریفودین و ایندیرجواتی (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «تجربه حسابرسی، حجم کار، نوع شخصیت و قضاوت حرفه‌ای حسابرسان در مقابل توانایی حسابرسان در کشف تقلب» پرداختند. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از روش پرسش‌نامه و تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که متغیر تجربه، حجم کار و قضاوت حرفه‌ای حسابرسان تأثیر مثبت بر توانایی حسابرسان برای کشف تقلب در حالی که متغیر نوع شخصیت بر توانایی حسابرسان برای کشف تقلب تأثیر نداشت.

شی و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «راهبری شرکتی برون‌سازمانی و

تقلّب مالی؛ ارزیابی شناختی از تجویزهای نظریه کنندگی» انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که سازوکارهای راهبری شرکتی برون‌سازمانی بر احتمال تقلّب‌های مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. برای این اساس، می‌توان با بهبود سازوکارهای راهبری شرکتی، انگیزه مدیران برای درستکاری صورت‌های مالی و ارتکاب تقلّب را کاهش داد.

اکپیانسی (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر تجربه حساب‌برسان، اخلاق حرفه‌ای و شخصیت بر تردیدگرایی حرفه‌ای حساب‌برسان و توانایی حساب‌برسان در کشف تقلّب پرداختند، نتایج پژوهش آنها نشان داد تردیدگرایی حرفه‌ای حساب‌برسان تأثیر مثبت و معناداری بر توانایی حساب‌برسان در کشف تقلّب دارد. تجربه و شخصیت حساب‌برسان تأثیر مستقیم و معناداری بر توانایی حساب‌برسان در تشخیص تقلّب یا از طریق تردیدگرایی حرفه‌ای حساب‌برسان نداشته است. درک حساب‌برسان نسبت به اخلاق حرفه‌ای تأثیر مثبتی بر توانایی حساب‌برسان در کشف تقلّب دارد.

انوفه و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی نقش اخلاق حسابداری در بهبود نگرش تردید حرفه‌ای حساب‌برسان پرداختند. علاوه بر این آنها تأثیر عوامل دیگر مانند حق‌الزحمه حساب‌برسی، دوره تصدی حساب‌برسی و سطح تجربه حساب‌برسان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار میان اخلاق و تردید حرفه‌ای بود. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که دوره تصدی حساب‌برسان و حق‌الزحمه حساب‌برسی با تردید حرفه‌ای حساب‌برسان رابطه منفی و معناداری دارد، در حالی که تجربه حساب‌برسان اثر مثبت و معنادار بر تردید حرفه‌ای حساب‌برسان دارد.

عبداللطیف (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی

تأثیر عوامل خطر تقلّب بر تعدیل فرایند حساب‌برسی پرداخت. نتایج پژوهش او نشان داد که اهمیت تعدیل فرایند حساب‌برسی به اهمیت عوامل خطر تقلّب بستگی دارد و مهم‌ترین عوامل خطر تقلّب مربوط به ویژگی‌های مدیریت و کم‌اهمیت‌ترین عوامل خطر تقلّب مربوط به اشکال در صورت‌های مالی است.

با توجه به خطر تقلّب و اثر کمیته حساب‌برسی مدل شش ضلعی (تقلّب) هگزگون به شکل زیر ارائه شده است: هنگامی که بخش‌های مختلفی برای انجام تقلّب با هم همکاری می‌کنند می‌تواند آسیب بسیار بیشتری وارد کند (زاهاری و همکاران ۲۰۲۱) زیرا تبنانی می‌تواند منجر به ایجاد فشار از سوی افراد دخیل در آن بر روی اشخاصی شود که تمایلی به مشارکت در این امر ندارند. در تبنانی، افراد به دنبال شریک جرم هستند. مدیران معمولاً با اشخاص درون‌سازمانی و برون‌سازمانی بسیاری در ارتباط هستند که از آنها دعوت می‌کنند در این امر شریک شوند، مدیران می‌توانند به راحتی تخلفاتی را که با مشارکت دیگران انجام

می‌دهند پنهان کنند و کشف آن را برای نهادهای نظارتی دشوار سازند. از آنجا که معاملات با اشخاص خارج از شرکت صورت می‌گیرد و در تهیه صورت‌های مالی این معاملات رکن اساسی است، هنگامی که طرفین معامله با مدیریت تبنانی می‌کنند این معاملات صحیح به نظر می‌رسند (دیپانجانا و ورا ۲۰۲۲).

درخصوص کمیته حساب‌برسی و نقش تعدیل کننده آن می‌توان از بررسی الزامات مربوط به دستورالعمل حاکمیت شرکتی منتشره توسط سازمان بورس اوراق بهادار درخصوص انتخاب و مسئولیت اعضای هیئت مدیره که شامل آیتم‌های متعددی همچون موارد زیر است استفاده کرد:

- تعداد اعضای هیئت مدیره
- عدم حق رأی اعضای موظف هیئت مدیره
- عضو مالی هیئت مدیره
- عدم عضویت در هیئت مدیره بیش از سه شرکت به‌صورت همزمان
- تعداد سهام وثیقه مدیران
- به این صورت که اگر شرکت اتمامی



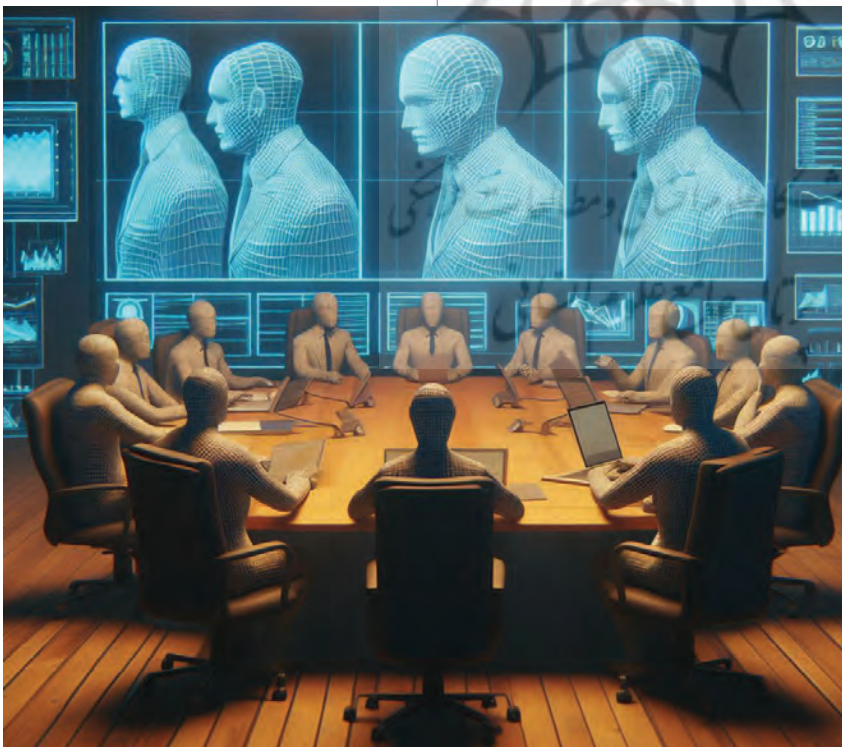
الزامات قانونی را رعایت کرده باشد ۱۰۰٪ و چنانچه از کل الزامات مربوطه به‌طور مثال ۲ مورد را رعایت کرده باشد امتیاز ۴۰٪ را کسب می‌کند.

بررسی و نتیجه‌گیری

تمایل مدیران به انجام گزارشگری متقلبانه در شرکت‌هایی که محرک‌های مختلفی بابت این موضوع دارند، بیشتر است. هنگامی که در شرکتی گزارشگری مالی متقلبانه شکل می‌گیرد مدیرانی که در ابتدا قصدی برای تقلب ندارند، مشاهده می‌کنند که زمینه مساعدی برای این کار وجود دارد. بنابراین آنها تحریک می‌شوند که تقلب کنند زیرا مشاهده می‌کنند که ممکن است به‌صورت اتفاقی امتیازی را کسب کنند که زحمتی برای آن نکشیده‌اند. هنگامی که تقلبی حادث می‌شود تمامی دیده‌ها و شنیده‌ها جهت‌دار می‌شود و در راستای تقلب پیش می‌رود؛ بدین معنی که تقلب، مکانیسمی است که می‌تواند ناشی از فاکتورهای شخصی و محیطی باشد. به‌طوریکه این محرک‌ها مدیران را تشویق به تقلب می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد مدیرانی که تمایل به انجام تقلب دارند احتمالاً کمیته حسابرسی را ناظر بر محیط مالی نمی‌بینند. به‌عبارتی محرک فشار با تغییر شرایط توسط مدیر و پاسخ دلخواه وی از این تغییر مرتبط است در ابتدا مدیر تمایلی به انجام تقلب ندارد اما وقتی محیط، وی را به سمت تقلب سوق می‌دهد به‌صورت بالقوه مستعد تقلب می‌شود. در این میان کمیته حسابرسی با نظارت بر عملکرد مدیران، انگیزه آنها را جهت دستکاری گزارشات مالی کاهش می‌دهد. مدیرانی که محیط مطلوب برای تقلب را تجربه نکرده‌اند با نظارت سختگیرانه کمیته حسابرسی، اقدام به

ارائه گزارشات مالی شفاف و عاری از تقلب می‌کنند. کمیته حسابرسی به مدیران کمک می‌کند که اطلاعات مالی شرکت را بررسی کنند و آنها را با قوانین و استانداردهای مرتبط تطبیق دهند. کمیته حسابرسی نه تنها بر خروجی گزارشات مالی نظارت می‌کند بلکه تکمیل‌کننده این گزارشات نیز هست و محیطی را ایجاد می‌کند که مدیران، فکری درخصوص انجام تقلب نکنند. مدیران هنگامی که فرصت بیشتری دارند، تمایل بیشتری به گزارشگری متقلبانه دارند. در بازار بورس و اوراق بهادار تهران با تدوین شاخص‌های حاکمیت شرکتی و ایجاد اهرم‌های کنترلی بیشتر از طریق الزام به وجود کمیته حسابرسی، فرصت تقلب مدیران محدود شده است. زمانی که هیچ قانون یا حاکمیت شرکتی خوبی وجود نداشته باشد، مدیران فرصتی عالی را برای تقلب در اختیار دارند که به آنها این اجازه را

می‌دهد که صورت‌های مالی را دستکاری کنند؛ به‌علاوه مادامی که مدیران فرصت کافی را جهت گزارشگری مالی متقلبانه در اختیار دارند از لحاظ اخلاقی نیز تمایل بیشتری به عدم رعایت اخلاق و دستکاری صورت‌های مالی دارند. مدیرانی که استدلال منطقی در هر میزانی داشته باشند چه بالا یا پایین تمایلی به تقلب ندارند. شخصی که دارای شاخص‌های اخلاقی بالا است از فرصت‌های موجود استفاده می‌کند و در نهایت منطقی و قابل توجیه عمل خواهد کرد و قبل از عمل خطا به توجیه آن فکر نمی‌کند و از انجام آن پرهیز خواهد کرد. این نشان می‌دهد که وقتی مدیری تقلب می‌کند متوجه خطر ناشی از آن است و مدیرانی که گرفتار دستکاری‌های حسابداری می‌شوند و تقلب می‌کنند از عواقب آن آگاه هستند. کمیته حسابرسی هم در این زمینه نمی‌تواند نقش مثبتی ایفا کند زیرا منطقی و توجیهی، از صفات



اخلاقی است و بیشتر آن ذاتی است تا اکتسابی و با شاخصه‌های محیطی نمی‌توان آن را تعدیل کرد. نهایتاً مشخص است که مدیران فکر نمی‌کنند که تقلب امری صحیح است یا نیاز به توجیه دارد و در هنگام ارائه گزارشات مالی متقلبانه به فکر توجیه آن نیستند.

احتمال تقلب در صورت‌های مالی هنگامی که مدیر، مستعد تقلب باشد قوت خواهد گرفت. اگر مدیری استعداد انجام تقلب را نداشته باشد حتی اگر مؤلفه‌هایی همچون فشار و فرصت و توجیه نیز وجود داشته باشد تقلب دور از ذهن خواهد بود (آنسل و مائولیدی ۲۰۲۰). مدیران هنگامی که دارای دانش کافی برای دستکاری‌های مالی باشند می‌توانند صورت‌های مالی را تحریف کنند و مؤلفه‌های اثر بخشی را به کار گیرند که کشف تقلب را مشکل سازد. مدیران با استعداد بالاتر نسبت به مدیران کم استعدادتر تمایل بیشتری به تقلب دارند. مدیران با استعدادتر از آنجا که بر تمامی راه‌های کشف تقلب واقف هستند تمایل بیشتری به گزارشگری مالی متقلبانه دارند. کمیته حسابرسی نیز باعث کاهش تمایل مدیران در جهت به کارگیری استعداد خویش جهت اعمال تقلب می‌شود. کمیته حسابرسی اثر بخش با نظارت کارا بر عملکرد مدیران می‌تواند احتمال تقلب را تا سطح معقولی کاهش دهد در نتیجه اگرچه مدیران از خلأهای موجود جهت دستکاری‌های حسابداری آگاه هستند اما کمیته حسابرسی مهارت بیشتری دارد که به واسطه آن مدیران را محدود کند و استعداد بالقوه آنها را در انجام تقلب از بین ببرد.

حتی اگر مدیران خودشیفتگی کمتری داشته باشند نیز تمایل آنها به تقلب افزایش خواهد یافت. مدیرانی که خودشیفتگی بالایی دارند از آنجایی که

مؤلفه‌های شخصیتیشان ایجاب می‌کند خود را رهبران موقتی نشان دهند که وظایف خود را به خوبی انجام می‌دهند و متمایز هستند نسبت به سایرین، تمایل کمتری به انجام تقلب دارند و تمام تلاش خود را جهت دستیابی به اهداف عملیاتی شرکت انجام می‌دهند. بر این اساس کمیته حسابرسی نیز نقش تعدیلی نخواهد داشت زیرا مدیران خودشیفته به صورت خودخواسته تمایلی به انجام تقلب ندارند. هنگامی که شبکه‌های بزرگ تبانی داشته باشند، مدیران، تمایلی به تقلب ندارند. پژوهش‌ها در این حوزه نشان می‌دهد که تبانی را نمی‌توان از طریق اطلاعات ارسالی توسط مدیران کشف کرد زیرا در هنگام تبانی ممکن است عده‌ای با هم کار کنند تا اطلاعات خاصی را حذف کنند. هنگامی که چندین مدیر با هم کار می‌کنند ممکن است روش‌ها و فرایندهای منحصر به فردی را جهت جلوگیری از کشف تقلب تدوین کنند. مدیران، تمام اطلاعات مورد نیاز کمیته حسابرسی را در هنگام تبانی ارائه نمی‌کنند و این می‌تواند کشف تقلب را با مشکل مواجه سازد. بنابراین کمیته حسابرسی در این خصوص نمی‌تواند نقش تعدیلی ایفا کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

شاخص‌های رفتاری مدیران در انجام تقلب تأثیر دارد وقتی مدیران محرک‌های فشار بالاتر و فرصت‌های منحصر به فرد و استعداد بیشتری دارند تمایل بیشتری به انجام تقلب دارند. این مطالعه نشان داد که مدیران با خودشیفتگی بالاتر تمایلی به تحریف صورت‌های مالی ندارند ضمناً مدیران با توجیه و استدلال منطقی و نیز شبکه‌های تبانی گسترده، تمایلی به گزارشگری مالی متقلبانه ندارند. کمیته حسابرسی می‌تواند نقش تعدیلی در

شاخص‌های رفتاری عمل تقلب داشته باشد ولی اثری بر توجیه و خودشیفتگی و شبکه تبانی ندارد. این مطالعه عاری از محدودیت‌هایی نیست که می‌تواند بر نتایج تحقیقات آتی تأثیر بگذارد. داده‌های جمع‌آوری شده جهت تحقیق بدون طبقه‌بندی هر صنعت گردآوری شده است؛ لذا پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، هر صنعت، جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

در این پژوهش، اثر ویروس کرونا بر صنایع بررسی نشده است. باید توجه داشت که ممکن است آثار مخرب این ویروس بر کسب و کارها منجر به افزایش گزارشگری متقلبانه شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، اثر ویروس کرونا به‌عنوان مؤلفه‌ای اثرگذار بر گزارشگری مالی متقلبانه مورد بررسی قرار گیرد. ■

منابع:

تحلیل محتوای نظریه‌های تقلب مالی و ارائه فرآیند چند بعدی تقلب (نمازی محمد و حسینی نیا سمیه، ۱۳۹۸)، نشریه: دانش حسابداری مالی سال: ۱۳۹۸ دوره ۶ شماره ۱ پی‌اچ‌پی ۲۰ صفحات: ۳۶-۱

تحلیل توانایی حسابرسان در کشف تقلب با استفاده از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده: تأثیر تجربه حسابرس و تیپ شخصیتی با نقش تردید حرفه‌ای دوره ۱۵، شماره ۵۷، فروردین ۱۴۰۲، صفحله‌ها علی زاده گان، محمود صمدی لرگانی، محسن ایمنی

رتبه‌بندی عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مؤثر بر گزارشگری مالی متقلبانه با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی فاطمه خلیلی ثمرین؛ مهدی خلیل پور، جواد رضوانی دوره ۱۵، شماره ۵۵، شهریور ۱۴۰۰، صفحه ۲۴۶-۲۳۱

انصاری، عبدالمهدی و کمالی کرمانی، نرجس.

(۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر تصمیم حسابرسان جهت استفاده از ابزار کمکی تصمیم‌گیری در ارزیابی ریسک تقلب مدیریت، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۱۶، صص ۶۲-۷۹.

بنی مهد، بهمن و گل محمدی، آرش. (۱۳۹۶). بررسی رابطه میان جو اخلاقی و هشداردهی در مورد تقلب از طریق مدل گزارشگری اختیاری در حرفه حسابرسی ایران، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال دوم، شماره سوم، صص ۸۶-۶۱.

خواجه‌جوی، شکراله و ابراهیمی، مهرداد. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر متغیرهای حسابرسی بر احتمال وقوع تقلب در صورت‌های مالی: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، شماره ۶۸، صص ۶۲-۴۱.

دیانتی دیلمی، زهرا؛ سلطانی، اصغر و عمرانی، حامد. (۱۳۹۷). تدوین برنامه درسی کارشناسی ارشد رشته حسابداری قضایی (دادگاهی) و ضد تقلب. فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۳ (۵): ۱۰۰-۴۱.

احمدپور، احمد، محمد کاشانی پور و محمدرضا شجاعی، (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر هزینه تأمین مالی از طریق بدهی»، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۶۲، پاشائی فشتالی، محمد، کیهان آزادی هیر و محمدرضا وطن‌پرست، (۱۳۹۹). «مطالعه رابطه تیپ شخصیتی، تجربه و جنسیت با توانایی کشف حسابرس (نقش میانجی شک و تردید حرفه‌ای)»، مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۱۰۰-۶۷.

پیتر دی. گلدمن با همکاری هیلتون کافمن، (۲۰۰۹)، «راهنمای کاربردی ریسک‌های تقلب و کنترل‌های ضد تقلب»، ترجمه امیر پوریا نسب و محسن قاسمی، انتشارات حساب افزار ایرانیان (ایراکو).

حقوق‌شناس، حسن، (۱۳۸۷)، «هنجاریابی آزمون شخصیتی نئو فرم تجدیدنظرشده»، روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی، ۴ (۴)، صص

۵۰-۳۶.

خطیری، محمد، یوسف تقی پوریان، رضا غلامی جمکرانی و حسین جهانگیر نیا، (۱۳۹۸)، «ویژگی‌های شخصیتی، هوش مالی مدیران و عملکرد شرکت»، دانش حسابداری مالی، ۶ (۳)، صص ۱۶۵-۱۴۱.

خواجه‌جوی، شکراله و احسان کرمانی، (۱۴۰۰)، «ویژگی‌های شخصیتی مؤثر بر تسهیم دانش در مؤسسات حسابرسی با رویکرد معادلات ساختاری»، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۳ (۵۰)، صص ۳۲-۱.

داوری، علی و آرش رضازاده، (۱۳۹۵)، «مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS»، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.

دریائی، عباسعلی و اکرم عزیززی، (۱۳۹۷)، «رابطه اخلاق، تجربه و صلاحیت حرفه‌ای حسابرسان با کیفیت حسابرسی (باتوجه به نقش تعدیل‌کننده شک و تردید حرفه‌ای)»، (۵) ۱-۱۶، صص ۷۹-۹۹.

سلمانی، چنگیز، سعید جبارزاده کنگر لویی، جمال بحری ثالث و عسکر پاک مرام، (۱۳۹۹)، «الگوی برای پیش‌بینی قضاوت حرفه‌ای حسابرسان»، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۲ (۴۸)، صص ۱۷۹-۲۰۲.

شولتز، دوان، (۱۳۸۱)، «نظریه‌های شخصیت»، ترجمه یوسف کریمی و دیگران. تهران: ارسباران

عدیلی، مجتبی، احمد خدامی پور و امید پورحیدری، (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیر فرهنگ اخلاقی مؤسسه حسابرسی و تیپ‌های شخصیتی حسابرسان بر عینیت حسابرس»، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۶، صص ۲۰-۵.

عرب صالحی، مهدی و سپیده کاظمی نوری، (۱۳۹۳)، «تأثیر هزینه‌های کسب‌کنندگی بر حساسیت سرمایه‌گذاری جریان‌های نقدی»، دانش حسابداری، ۵ صص ۹۷-۱۱۸.

عرب‌مازار، علی‌اکبر، محمود صمدی لرگانی و محسن ایمنی، (۱۳۹۳)، «الماس تقلب و مسئولیت مدیران و حسابرسان در قبال پیشگیری از تقلب»، مطالعات حسابداری و

حسابرسی، ۳ (۱۲)، صص ۱۷-۴.

فرقاندوست حقیقی، کامبیز و فرید برواری، (۱۳۸۳)، «بررسی کاربرد روش‌هایی تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت‌های مالی (تقلب مدیریت)»، دانش و پژوهش حسابداری، شماره ۱۶، صص ۱۸-۷۰.

قاسمی نژاد، احسان و بهمن بنی مهد، (۱۳۹۹)، «تأثیر محافظه‌کاری اجتماعی بر تردید حرفه‌ای حسابرسان مستقل: آزمونی از نظریه روان‌شناختی شخصیتی»، مجله علمی دانش حسابداری مالی، دوره ۷، شماره ۳، صص ۲۷-۱.

کریمی، زهرا، احمد یعقوب‌نژاد، محمود صمدی لرگانی و محمدرضا پورعلی، (۱۴۰۰)، «ارزیابی تأثیر سوگیری‌های روان‌شناختی فردی و ابعاد شخصیتی حسابرسان بر کیفیت حسابرسی»، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۴، صص ۵۲-۲۳.

کمیته فنی سازمان حسابرسی، (۱۳۸۸)، «استانداردهای حسابرسی»، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.

مهدوی، غلامحسین و مصطفی کاظم نژاد، (۱۳۸۹)، «تأثیر پیش‌بینی‌پذیری آزمون‌های حسابرسی بر اثربخشی حسابرسی تقلب»، ماهنامه حسابدار، ۲۱۹، صص ۶۳-۵۹.

نمازی، محمد و حسن اسماعیل پور، (۱۳۹۹)، «تأثیر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) بر فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی»، دانش حسابداری، ۱۱ (۱)، صص ۳۳-۱.

نمازی، محمد و حسین رجب‌دردی، (۱۳۹۷)، «اخلاق حرفه‌ای حسابرسی در ایران: تحلیل محتوی»، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۵ (۵۹)، صص ۳۴-۱.

نیک‌بخت، محمدرضا و احمد گنجی میرزایی، (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر شاخص‌های حسابرسی بر ارزش سهام‌داران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی تاکستان.

Responsible sourcing under supplier-auditor collusion L Chen, S Yao

report lag.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Association of Certified Fraud Examiners
- 2-Crime
- 3-Recipes
- 4-Cooks
- 5-Incentives
- 6-Monitoring

مه‌دی بیرانوند
فرهاد زاهدی
امیرپرویز فرزاد

ery or organizational bribery more intolerable in China (versus in the United States) ? Advancing theory on the perception of corrupt acts. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 143, 111–128.

Dorminey, J., A. Scott Fleming, M. J. Kranacher, and R. A. Riley. 2012b. The evolution of fraud theory. *Issues in Accounting Education*, 27 (2), 555–579.

Abdillah, M. R., A. W. Mardijuwono, and H. Habiburrochman. 2019. The effect of company characteristics and auditor characteristics to audit

K Zhu -Manufacturing & Service Operations ...، 2020.

AudiWFlow: Confidential, collusion-resistant auditing of distributed workflows X Zhou, A Nehme, V Jesus, Y Wang, M Josephs... - *Blockchain: Research ...*, 2022 – Elsevier.

Compernelle, T. 2018. Communication of the external auditor with the audit committee: Managing impressions to deal with multiple accountability relationships. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 31 (3), 900–924.

Dorminey, J., A. Scott Fleming, M. J. Kranacher, and R. A. Riley. 2012b. The evolution of fraud theory. *Issues in Accounting Education*, 27 (2), 555–579.

Meiryani, A., M. A., J. Sudrajat, and I. E. Riantono. 2020. The effect of financial target and financial stability on fraudulent financial statements. *Journal of Critical Reviews*, 7 (6), 692–699.

Xiao, J., S. L Sun, and D. H. Weng. 2021. The unfriendly board: Antecedents and consequences of board dissent. *European Management Journal*, 39 (1), 135–146.

Sari, M. P., N. Pramasheilla, Fachrurrozie, T. Suryarini, and I. D. Paimuigkas 2020. Analysis of fraudulent financial reporting with the role of KAP big four as a moderation variable: Crowe's fraud's pentagon theory. *International Journal of Financial Research*, 11 (5), 180–190.

Liu, Z. et al. 2017. Is individual brib-

